

پرونده ویژه

## احکام ربوی

غیر صحیح و نامشروع. ربا برخلاف تصور عموم مردم منحصر در قرض ربوی یا همان «نزول» نمی‌شود. بلکه ربا یک قسم دیگر هم دارد که از آن به عنوان «ربای در معامله» یاد می‌شود. البته معمولاً این قسم از ربا کمتر انجام می‌شود؛ اما بی‌اطلاعی از جزئیات آن گاهی انسان را گرفتار بد بلائی می‌کند. بخصوص اهل بازار و تجارت و معاملات که بیش از هر فرد دیگری در معرض این قسم از ربا هستند. قبل از ورود در توضیح انواع ربا بد نیست به این حقیقت تلخ اشاره کنیم که ربا از آن قسم گناهان بزرگ و خطرناک است که به آسانی و سهولت پیش پای انسان قرار می‌گیرد و به اصطلاح مانند سرطان می‌توان مدت‌ها در اعماق وجود انسان ریشه بدواند، بدون این که انسان احساس درد یا خطر کند. به همین دلیل شناخت و توجه دقیق در پیچ و خم‌های مسأله ربا - چه ربای در قرض و چه ربای در معامله - بسیار بسیار مهم و ضروری است. بخصوص که این مسأله منحصر در چند مصداق و محدود در چند شکل معین از معاملات و داد و ستدهای مالی نیست. بلکه هر روز در قالبی جدید و فرمی نو و عنوانی غلط انداز در جامعه مطرح می‌شود.

رباخواری و نزول خوری عنوان برخی درآمدهای حرام و نامشروع بود، کمتر کسی حاضر بود دور این کارها بچرخد و ننگ پاک نشدنی پسوند «نزول خور» را برای خود حاصل نماید. اما امان از روزی که همین عمل به دریافت حق مشارکت یا کارمزد یا عناوین مشابه تغییر نام داد. دیگر نه تنها قبیح و زشت نیست، بلکه بسیار ارزشمند و در راستای خدمت به خلائق هم تلقی می‌شود! البته قصد نداریم اطلاق همین عناوین به سودهایی که توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی معتبر کشور دریافت می‌شود را نشانه ربا بودن آن‌ها بدانیم بلکه مقصود آن است که لااقل در برخی موارد همین عناوین تنها شکل تغییر یافته نام نزول و ربا است که متأسفانه باعث زدودن قبح آن عمل بسیار زشت و گناه کبیره شده است. به هر حال در این شماره به برخی جزئیات مسأله ربا اشاره می‌کنیم تا ناخواسته و ندانسته به دام این گناه بزرگ نیفتیم.

### ربا دقیقاً یعنی چی؟!

«ربا» از ماده «رَبَوَ» است به معنای رشد کردن. چیزی شبیه واژه «تریت» که از همین ماده گرفته شده. در واقع «ربا» نوعی رشد دادن سرمایه است اما به شکلی

... آقا انسان تا بعضی چیزها را لمس نکند باورش نمی‌شود! نمونه‌اش همین تأثیر شدید اسم و عنوان بر واقعیت‌های بیرونی است. بی‌خود نبود قدیمی‌ها این قدر روی نام‌گذاری بچه‌ها حساس بودند و به این راحتی‌ها حاضر به تغییر نام نبودند، نگو مسأله به یک جابجایی اسم ختم نمی‌شود! بلکه خیلی چیزهای دیگر هم تغییر می‌کند.

مثلاً همین تغییر نام و عنوان برخی از کارها چه فاجعه‌ای ایجاد کرده و چه تأثیر منفی اجتماعی به بار آورده است. از زمانی که به یک کار خاص، لِه‌و و لعب و رقاصی گفته می‌شد چه کار زشت و ناپسندی به حساب می‌آمد، اما امان از روزی که اسم همان کار به شادی و حرکات موزون تغییر کرد! دیگر نه تنها زشت و قبیح نیست، بلکه از لوازم جوانی و سرزندگی شده! و یا تا زمانی که برخی گناهان زنا و فحشا خوانده می‌شد حتی به زبان آوردن آن هم زشت بود چه رسد به انجام دادن آن... اما وقتی نام آن شد «روابط خصوص آزاد» دیگر این چیزها به شما ربطی ندارد و مسأله‌ای کاملاً شخصی است براساس دیدگاه و انتخاب خود افراد!!! نمونه دیگر این معضل همین داستان خودمان است. یعنی تا وقتی



### دو پیمانۀ الاغ و هفتاد و پنج عدد لوبیا

قبل از توضیح ربای در معاملات، لازم است مقدمه‌ای کوتاه عرض کنیم. چنان‌که می‌دانید در معاملات همواره یک جنس معین مورد معامله قرار می‌گیرد که در اصطلاح فقهی به آن «مبیع» یا «مُتَمَّنُّ» می‌گویند. این کالای مورد معامله در هر معامله‌ای باید کم و کیف معینی داشته و اندازه آن معلوم باشد و در یک معامله صحیح نمی‌توان یک حجم نامعین از یک کالا را فروخت. اما در تعیین معیار اندازه‌گیری کالای مورد معامله، تفاوت‌هایی وجود دارد. مثلاً در گذشته رایج بود که برخی کالاها، پیمانۀ‌های فروخته می‌شدند و فروشندۀ دو پیمانۀ آرد را در زنبیل خریدار می‌ریخت و پولش را دریافت می‌کرد. یا برخی کالاها به صورت عددی معامله می‌شدند؛ مانند انواع حیوانات یا محصولاتتی همچون تخم مرغ و... البته کشیدن وزن کالا هم یکی از مهم‌ترین ابزار تعیین اندازه کالای مورد معامله بود. امروزه هم هر سه قسم این موارد در معاملات رعایت می‌شود، هر چند مورد اول کمتر و مورد دوم و سوم بیشتر رواج دارد. مثلاً اکثر ظروف و لوازم خانگی و اتومبیل و حیوانات غیر خوراکی به شکل عددی معامله می‌شوند و غالب غلات و مواد غذایی و... وزن می‌شوند. ولی به ندرت کالایی با پیمانۀ اندازه‌گیری می‌شود، اما در هر حال به کالاهای پیمانۀ‌های «مکیل» و به عددی‌ها «معدود» و به کشیدنی‌ها «موزون» می‌گویند.

البته این موارد ممکن است در برخی مناطق تفاوت‌هایی داشته باشد، اما در اکثر موارد در هر عصر و زمانی می‌توان گفت این وسیله و این جنس معین به چه صورتی معامله می‌شود و خرید و فروش آن با چه ضابطه‌ای است و هیچ‌گاه کسی دو پیمانۀ الاغ یا ۷۵ عدد لوبیا نمی‌خرد؟!

### سقوط در جهنم با کله قند یزدی!

موضوع معاملات ربوی کالاهای پیمانۀ‌های و کشیدنی یا همان مکیل و موزون‌ها هستند. در واقع هرگاه دو طرف معامله تصمیم داشته باشند جنسی را که با پیمانۀ یا کشیدن تعیین و محاسبه می‌شود را با هم مبادله کنند و خریدار در عوض پول بخواهد از همان جنس به فروشندۀ بدهد و به اصطلاح نوعی مبادله و طاق زدن اتاق بیفتد، باید توجه داشته باشند که این امر کم و زیاد نداشته باشد چون اگر یکی از دو طرف جنسی کمتر یا بیشتر از اندازه جنس دیگری به او بدهد این کار همان ربای در معامله خواهد بود. به عنوان مثال اگر دو نفر بخواهند دو کیسه برنج خود را با هم مبادله کنند در حالی که یکی ۸۰ کیلو و دیگری ۹۰ کیلو باشد، این کار نادرست و ربا خواهد بود. حتماً می‌پرسید کدام انسان عاقل حاضر به این کار است و این کار هیچ وقت انجام نخواهد شد، اما اگر دقت کنید می‌بینید که این امر بسیار انجام می‌شود و انگیزه‌های مختلف این نوع مبادله را موجه جلوه می‌دهد. مثلاً بسیاری افراد برنج ایرانی را با خارجی یا روغن سرخ کردنی را با روغن ساده یا قند معمولی را با قند یزدی عوض می‌کنند (یاد ایام کالاهای کوپنی بخیر!!)، در نتیجه باید مواظب باشیم که بخاطر یک کله قند یزدی صاف نرویم توی جهنم! مورد شایع و رایج این کار، تعویض طلا است که اکثر خانم‌ها انجام می‌دهند و طلاهای قدیمی خود را با طلای نو در زرگری‌ها تعویض می‌کنند. راهکار جلوگیری از ربا در این موارد - که البته زرگرهای متدین به خوبی از آن آگاهند - آن است که مبادله جنس در مقابل جنس نباشد. مثلاً زرگر می‌گوید من ۲ مثقال طلای شما را خریدم به مثلاً ۳۰۰ هزار تومان (اما پولی دست شما نمی‌دهد) و بعد می‌گوید الان ۱/۵ مثقال طلای خودم را به شما فروختم ۳۰۰ هزار تومان، یعنی در واقع دو معامله انجام می‌شود که هر دو صحیح خواهد بود.



پرونده  
ویژه

### داغ نکنید!!

خدمت آن دسته از خوانندگان عزیز که مانند دوستان خود در مجله یک وجب زیر خط فقر زندگی می‌کنند و غالباً در خانه‌های رهنی ساکنند و هم اکنون برق سه فاز آن‌ها را اخذ نموده و احیاناً دودی رقیق از کله مبارک‌شان متصاعد است عارضیم که: دوستان! داغ نکنید هنوز مطلب ادامه دارد. گمان نکنید که تا کنون سال‌ها در خانه‌ای اجاره شده به شکل ربوی زندگی می‌کردید! زیرا مسأله خانه‌های رهنی به این وضوح مصداق قرض ربوی نیست، به عبارت روشن‌تر در خصوص خانه‌های رهنی سه فرض وجود دارد: فرض اول آن است که خانه به شکل رهن کامل اجاره شود و مستأجر علاوه بر رهن اولیه هیچ پولی را ماهیانه نپردازد، در این فرض این عمل مصداق قرض ربوی است و طبق نظر اکثر مراجع این عمل حرام است. فرض دوم آن است که علاوه بر مبلغ رهن اجاره معینی برای خانه در نظر گرفته شود که زیر قیمت واقعی اجاره چنین خانه‌ای نباشد. مثلاً صاحب خانه‌ای منزلی دارد که اجاره متعارف آن بین ماهی ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان است و او تصمیم می‌گیرد آن‌را به مبلغ سه میلیون رهن و ۲۰۰ هزار تومان ماهیانه اجاره دهد، این فرض هم طبق نظر اکثر مراجع هیچ اشکالی ندارد و این اجاره صحیح است. اما فرض سوم که بیشترین مصداق را دارد آن است که مبلغ اجاره ماهیانه بسیار ناچیز و یا کمتر از میزان طبیعی و متعارف اجاره آن منزل باشد که در این صورت در بین مراجع دو نظر وجود دارد. عده‌ای از مراجع باز این اجاره را صحیح می‌دانند و آن رهن را هم قرض ربوی نمی‌دانند. اما عده دیگری از مراجع این را مصداق قرض ربوی دانسته و طرح اجاره را نوعی فرار از ربا تلقی می‌کنند که مانع تحقق ربا نمی‌شود و مشکل کماکان به جای خود باقی است.



اما قسم شناخته شده و مشهور ربا یا همان نزول خوری، ربای در قرض است. تعریف این نوع ربا آن است که فردی مالی را به دیگری قرض بدهد و در عوض شرط کند چیزی بیشتر از اصل قرض پس بگیرد. حال این مازاد ممکن است پول باشد؛ یعنی شرط کند در عوض ۲۰ میلیون قرض ۲۵ میلیون پس بگیرد و یا این که در عوض کالای دیگری را همراه اصل پولش پس بگیرد یا قرض گیرنده در کنار پرداخت اصل پول، خدمت خاصی برای او انجام دهد. مثلاً کار بچه‌اش را در سربازی حل کند یا کافه‌اش را به او اجاره بدهد و... که همه این موارد مصداق ربا و حرام است. نکته دقیق و حساس ربای در قرض نیز همین است که نمی‌توان آن‌را تنها منحصر در نزول خوری رایج و مشهور دید؛ بلکه با این توضیحات بسیاری از کارهای دیگر نیز می‌تواند داخل در عنوان ربا باشد. مثلاً همین داستان رهن و اجاره منازل که در آن پول قلمبه‌ای از طرف مستأجر به صاحب‌خانه داده می‌شود و بدون هیچ اجاره‌ای یا با اجاره‌ای بسیار کمتر از اجاره واقعی این خانه، خانه در اختیار او قرار می‌گیرد. در این معامله اجاره پولی که به صاحب‌خانه داده می‌شود هر چند اسم رهن را دارد ولی در حقیقت قرض است. زیرا رهن پولی است که به عنوان ضمانت پرداخت می‌شود و صاحب‌خانه حق تصرف و استفاده از آن‌را ندارد. اما این پول رهن خانه در واقع قرض به صاحب‌خانه است که او بتواند آن‌را مصرف کند و موقع تخلیه منزل معادل آن‌را برگرداند. اما مستأجر فلک‌زده که عاشق جمال خانه نبود که به او وام بدهد؛ بلکه به این شرط این قرض را به او می‌دهد که او هم در کنار برگرداندن اصل پول یک سال منزل خودش را بدون پولی یا با پولی بسیار کم در اختیار او بگذارد و این می‌شود همان ربای قرضی.



### فرار از ربا یا همان کلک شرعی

داستان فرار از ربا خود یکی از اختلافات فقهی در خصوص مسأله ربا است. در واقع از زمان ائمه : تاکنون همواره یکی از دغدغه‌ها همین بوده که آیا می‌توان به شکلی از زیر حرمت ربا در رفت و در عین حال به نتیجه مطلوب مالی رسید؟

پاسخ این سؤال همان موارد استثناء یا راهکارهای شرعی و مجاز قرض ربوی است که به آن اشاره خواهیم کرد. اما آیا می‌توان با تغییر شکل صورت قرض و انجام یک معامله صوری مشکل قرض ربوی را حل کرد و مثلاً یک میلیون را در عوض یک عدد خودکار به دیگری فروخت تا او هم بعد از ۱ سال همان خودکار را ۱/۵ میلیون از ما بخرد؟! در جواب این مسأله دو دیدگاه فقهی وجود دارد. عده‌ای از مراجع این عمل را جایز می‌دانند و معتقدند از آن‌جا که دلیل اصلی حرمت‌ها و حلیت‌ها و کلا دستورات شرعی بر ما روشن نیست، نمی‌توان این کارها را فرار از مقصود و هدف خداوند دانست و با همین کلک‌های شرعی می‌توان از خطر حرمت گناه ربا گریخت! اما عده دیگری از مراجع معتقدند حرمت اصلی مربوط به تحقق موضوع ربا و مفاسد اقتصادی این عملکرد مالی است. در نتیجه هر کاری که به نوعی فرار از ربا تلقی شود، صحیح نیست و نمی‌تواند اصل مشکل را حل نماید؛ مگر آن‌که واقعا یک معامله جدی و پدر و مادر دار و به دور از ظاهرسازی اتفاق بیفتد و واقعا هدف نزول خواری نباشد که تنها در آن صورت کار صحیح خواهد بود.

### موارد استثناء

اما حرمت ربا و قرض ربوی موارد استثنایی دارد که برخی از فقها آن را مورد تأکید قرار داده‌اند. مثلاً مسلمان می‌تواند از کافری که تحت حمایت حکومت اسلامی نیست مانند غیر مسلمانان سایر کشورها نزول بگیرد. یعنی به آن‌ها قرض بدهد و بیشتر پس بگیرد. در این صورت اگر ضرری متوجه فرد یا جامعه شود مربوط به شخص کافر یا حکومت غیر اسلامی برمی‌گردد. همچنین زن و شوهر و پدر و فرزند از یکدیگر هم صحیح است و این مسأله در بسیاری موارد راهگشا خواهد بود.

اما باید توجه داشت که لنگ بودن کار و پر نشدن جای چک یا آبروی چندین و چند ساله و یا ضرورت تهیه جهاز آبرومند برای دختر سوگلی و یا نیاز مبرم آقازاده به یک عدد آیفون اپل برای کم نیاوردن پیش برویچ، هیچکدام ضرورت و مقام اضطرار محسوب نمی‌شود که خود را فریب داده بگوییم خدا در قرآن فرموده در وقت اضطرار می‌توان از حیوان مردار هم استفاده کرد چه رسد به نزول گرفتن آن هم در این وضعیت بحرانی... مطمئناً این اصحاب توجیه(!) قبول دارند که هر کسی که به نوعی اقدام به نزول گرفتن می‌کند، حتماً کارش جایی لنگ بوده و نیاز فوری به اسکن(!) داشته؛ و الا آدم عاقل حاضر به ریختن یک رب قلمبه تو شکم یک عده مفت خور نمی‌شود پس با این توجیهات نمی‌توان خود را استثناء دانست و موقعیت خود را بحرانی و مقام اضطرار تشخیص داد.

